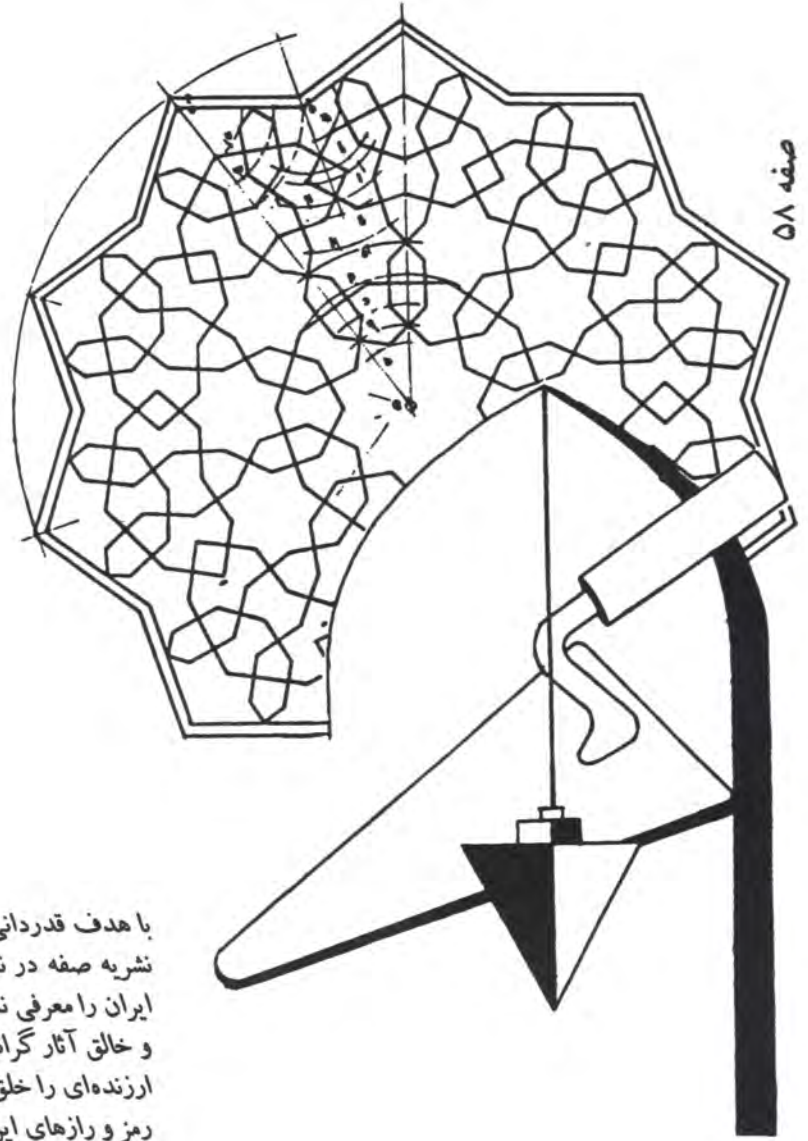


آشنایی با



با هدف قدردانی از نقش ارزشمند استادکاران معماری سستی ایران در حفظ و بقای فرهنگ این مرزوبوم، نشریه صفه در نظر دارد به تدریج این چهره‌های به ظاهر ناشناخته، اما مانوس برای تاریخ معماری سستی ایران را معرفی نماید. معمارانی که با نظام خاص استاد و شاگردی و به شیوه مرسوم زمانه خود آموزش دیده و خالق آثار گرانبغری در عرصه معماری سستی ایران هستند. اینان گرچه همچون اساتید خود، آثار بکر و ارزنده‌ای را خلق نموده که اکثر آثارشان نیز از معروفیت برخوردار است، ولی گمنام زیسته‌اند و از همین رو رمز و رازهای این هنر اصیل را همچنان فاش نشده در سینه حبس کرده‌اند.

اکنون با معرفی این چهره‌ها به محضر علاقمندان معماری سستی ایران، دانشجویان و پژوهندگان رشته معماری، ضمن ادای بخش کوچکی از دین جامعه به آنان، شاید بتوان به سرچشمه‌های فیاض این هنر پر رمز و راز دست یافته و پرده از بخشی از ابهامات آن به کنار زد. در این شماره با یکی از استادکاران یزدی آشنا می‌شویم.



استادکاران معماری سنتی ایران

حاجی علی اکبر آخوند (خرمی)

بهرام قدیری

استادکار و همکاران یزدی اوست. دفتر فنی حفاظت آثار باستانی وقت (اداره کل میراث فرهنگی فعلی یزد) در سال ۱۳۴۸ او را با سمت استادکار ممتاز دعوت به همکاری می‌کند و گرچه امروز او در مفهوم متعارف اداری بازنشسته شده ولی علیرغم کبرسن، کماکان با میراث فرهنگی یزد همکاری نزدیک دارد و متواضعانه از نظریات مشورتی گرانقدر خود آنان را بهره‌مند می‌سازد. در عرف امروزی، استاد فاقد تحصیلات رسمی است، ولی محاسبات ریاضی مورد نیاز رشته معماری را به صورت حسی و در حد اعلی می‌داند. تخصص او عمدتاً در زمینه اجرای پوشش‌های طاق و به خصوص اجرای تویزه و کاربندی است.

استاد معتقد است که در گذشته معماران سنتی از چیره دستی‌های خاصی برخوردار بوده‌اند و تعدادشان نیز از امروز بیشتر بوده است. به معماران امروزی انتقاد دارد که کار را به درستی تشخیص نمی‌دهند. معماری امروز را فاقد هویت می‌داند و

استاد اولین تجربه کاری خود را اشتغال در بنای کارخانه درخشان یزد، به عنوان «بردست» (وردست) ذکر می‌کند. معمار آخوند بزودی در این رشته علاقمندی نشان می‌دهد و پس از طی مراحل شاگردی و در مقطع جنگ دوم جهانی، اولین کار مستقل خود، یعنی آب انبار چهاربادگیره رستم گیو را در محله زردتشی‌های یزد به اجر در می‌آورد که این بنا همچنان در کنار بلوار جدید الاحداث بسیج شهر یزد، در کمال استقامت و زیبایی خودنمایی می‌کند. اگرچه همزمان با ساخت این آب‌انبار مصائب جنگ دوم جهانی و کمبود دستمزد و مشکلات آن برچینه‌های مختلف زندگی سنگینی داشته است، ولی نقوش آجری سروی شکل روی گنبد آب انبار، حکایت از آن دارد که معمار آن به دور از نعام سختی‌های آن زمان، هنر والای خود را در خلق این اثر به کار گرفته است. دومین کار خود را همکاری در تکمیل ساختمان مدرسه ایرانشهر یزد ذکر می‌کند. طاق‌ها و تویزه‌های این بنای زیبا، کار دست این

معرفی شخصیتی که حدود هشتاد سال به معماری سنتی ایران خدمت ارزنده کرده است، آن هم در قالب چند صفحه نوشتار، مسلماً حق مطلب را ادا نمی‌کند. لذا در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که گزارش حاضر خود را از چنین ادعایی میرا ساخته، فقط به گوشه‌هایی از زندگی حرفه‌ای یکی از استادکاران معماری یزد، به صورت اجمال می‌پردازد. استاد حاجی علی اکبر آخوند «خرمی» معروف به استاد علی اکبر آخوند، فرزند محمد و متولد پانزدهم ماه دلو ۱۲۷۰ هجری شمسی است. وی در خرمشاه، یکی از محلات قدیمی شهر یزد به دنیا آمده و نوه آخوند ملا احمد اردکانی است. در نزد مرحوم استاد محمد صادقیه پدر استاد محمد علی صادقیه به شاگردی در رشته معماری پرداخته است. ابتدا به قالی‌بافی و رنگرزی اشتغال داشته ولی بزودی و دراوان جوانی به رشته معماری روی می‌آورد.

دانشجویان آن را کسانى مى خواند که به عمق
نمی پردازند و سؤال های ظاهری می کنند.

به علت بالا بودن سن استاد از یک سو، و تواضع
ایشان که صفت ممتاز معماران سنتی است از دیگر
سو، دستیابی به فهرست جامعی از کارهای ایشان را
مشکل می نماید. از این رو ضمن مصاحبه ای که با
استاد به عمل آمد و هم چنین استفسار از مسئولین
محترم وقت و گذشته میراث فرهنگی استان یزد،
فهرستی فراهم آمده که مسلماً تمامی کارهای اجرایی
استاد را شامل نمی گردد. منتهی برای آن که آغازی
برای ثبت فهرست آثار ایشان باشد، ذیلاً به آنها اشاره
خواهد شد:

۱- کارهای مستقل استاد:

آب انبار رستم گبو یزد، هشتی امام زاده عبدالله
باقق، هشتی باغ دولت آباد یزد، پل جلوی کارخانه
اقبال (مسیر راه اصفهان به کرمان)، سردر و طاق
کارخانه نساجی سعادت یزد، سفت کاری
گلدسته های حظیره (محمدیه) یزد، مناره و
ورودی های قبرستان خلدبرین یزد، آب انبار احمدآباد
مستوفی (جاده شهریار)، حمام روستای ده مورت
(فارس)، بازسازی مسجد سرجمع (سرچم) یزد،
پرورشگاه شهرداری یزد.

۲- کارهای مشترک استاد:

مدرسه ایرانشهر یزد، آب انبار مسعودی یزد،
مسجد برخوردار یزد، مسجد شاه طهماسب یزد،
کارخانه اقبال یزد، کارخانه سعادت نساجان یزد،
کارخانه درخشان یزد.

۳- کارهای تعمیراتی استاد:

مدرسه ضیاییه یزد (زندادان اسکندر)، امام زاده
عبدالله باقق، بقعه سید شمس الدین یزد، هشتی
مسجد جامع یزد، مسجد ریگ یزد، برج و باروی
یزد، مسجد شیخ شهاب الدین قاسم طراز یزد، شیخ
بلیمان (روستای بیداخوید)، پی بندی مسجد
امیرچخماق یزد، تکیه امیرچخماق یزد، شبستان و



مدرسه ایرانشهر

حسینیه امیر چخماق



رواق مسجد ملا اسماعیل یزد، کاروانسرای رباط (زین الدین) در شصت کیلومتری یزد به کرمان، بادگیر باغ دولت آباد، مسجد جمعه منشاء، پایاب مدرسه ضیایه یزد، چهارسوق بازار خان یزد، مدرسه کیخسروی یزد، مسجد و قدمگاه فراشا (اسلامیه) در یکی از روستاهای تفت.

۴- ساخت واحدهای مسکونی توسط استاد:

معمار استاد علی اکبر آخوند حدود پانزده واحد مسکونی در محلات مختلف شهر یزد اجرا کرده‌اند که تعدادی از آنها عبارتند از:

خانه حاج سید محمدعلی آقوزهای در محله لب خندق، خانه محمد علی عطار در محله پشت باغ، خانه پدالله مازار در محله گازرگاه، خانه تقی شکاری در محله تل، خانه شخصی خود معمار در محله تل کوچک مرشد، خانه حاج سید اسدالله آتشی در محله ابوالعالی و ... هم چنین نظارت بر امر احداث ساختمان مقبره آیت‌الله خاتمی در اردکان نیز از آخرین فعالیت‌های او به شمار می‌رود.

با هدف آشنایی با ویژگی‌های معمار آخوند، از آقای مهندس اولیا به لحاظ شناخت عمیقی که از ایشان دارند، درخواست گردید مطالبی را برای خوانندگان صفا و استفاده دانشجویان رشته معماری تهیه فرمایند. ایشان با کمال گشاده رویی به این خواش اجابت گفتند و آنچه در زیر می‌آید، چکیده نظریات نامبرده در باب این استادکار یزدی است. مطالعه این بخش، بار دیگر خاطره زیبای آیین‌های جوانمردی (فتوت) اصحاب صنوف را در اذهان زنده می‌سازد.

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم، از استاد علی اکبر آخوند که مشفقانه پذیرای اینجانب در منزل خود بودند و با حوصله به سئوالات پاسخ دادند و با حضور در محل اجرای برخی از آثار خود نگارنده را ارشاد کردند، هم چنین از آقای مهندس کارگر مسئول میراث فرهنگی استان یزد و آقای مهندس اولیا عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه

یزد به پاس اطلاعات ارزنده‌ای که جهت تهیه این گزارش در اختیار قرار دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید. این مهم بی‌مدد این عزیزان میسر نمی‌شد. هم چنین جا دارد، سازمان‌های ذریبط فرهنگی کشور و دانشکده‌های معماری، در زمان حیات استاد، تجلیل شایسته‌ای از خدمات گرانبهای ایشان به معماری سنتی ایران به عمل آورند.

«آشنایی با ویژگی‌های استاد حاجی علی اکبر آخوند (خرمی)»

مهندس محمدرضا اولیاء

پیشگفتار:

معمولاً در ارزیابی آثار معماری ارزشمند و نفیس قدیمی یزد، بیشتر «اثر» معماری مورد توجه بوده و کمتر «موثر» یا آفریننده آن مورد عنایت قرار گرفته است. این «غفلت» در کنار سایر زمینه‌های مشابه، ما را از درک مسایل اساسی و خطوط محوری آموزش معماری به منظور بازشناسی و بازیابی و ترمیم موارث از دست رفته معماری ایران محروم ساخته است. اینک در یک فرصت بسیار محدود و اندکی قرار گرفته‌ایم که اگر به غفلت خود ادامه دهیم، در آینده‌ای نه چندان دور، آخرین رگه‌های ارتباط و اتصال ما با شخصیت خود «معمار» گسسته خواهد شد و نسل امروز و فردای ما از بسیاری قابلیت‌ها و توانمندی‌های نهفته در وجود این عزیزان محروم خواهد شد.

حق این بود که مدرسه معماری یزد شرایطی را فراهم می‌آورد تا لااقل در کنار روند آموزش معماری به سبک و سیاق غربی، فرصتی ولواندک تدارک دیده می‌شد، تا این اساتید مسلم از طریق کار عملی فن، دانش و بینش خود را به نسل جوان دانشجوی انتقال می‌دادند.

نگارنده افتخار دارد که از سال ۱۳۵۸ با شروع کار حرفه‌ای در دفتر فنی حفاظت آثار باستانی استان یزد و متعاقباً سازمان میراث فرهنگی کشور، از محضر استاد کسب فیض نماید و بیاموزد که شاگردی کردن، استادی می‌خواهد. این سطور از زبان کسی جاری می‌شود که سابقه آشنایی او با استاد به حدود پانزده سال می‌رسد و معلوم است برای کسی که حدود یکصد سال عمر پُر برکتش را طی کرده و قریب هشتاد سال به سازندگی و خلق آثار معماری پرداخته است، چه قدر ناقص و ابتر است.

اما، برای آن که حداقلی از وظیفه شاگرد در برابر استاد عملی شده باشد، این نوشتار تنظیم و تقدیم می‌گردد، به این امید که سروران صاحب نظر و اصحاب معرفت آن را تصحیح و تکامل بخشند.

یقین دارد امثال این بزرگوار در گوشه و کنار مملکت کم نیستند. بر همه کسانی که با آنها آشنایی دارند، لازم است این منابع ارزشمند انسانی را که بدون شک از ذخایر فرهنگی این سرزمین هستند تا آنجا که ممکن است معرفی نمایند تا زمینه‌های لازم برای بهره‌برداری از قابلیت‌های آنها فراهم گردد، انشاءالله.

به اعتقاد اینجانب، آقای حاج استاد علی اکبر آخوند یکی از معدود معماران سنتی یزد هستند که بازشناسی شخصیت ایشان بیش از آثاری که به وجود آورده‌اند، ضرورت دارد. زیرا شناخت آثار ایشان بدون توجه به زمینه‌های اخلاقی - تربیتی سازنده آن، کاری ناقص است. اگر بخواهیم به صورت شتابزده ویژگی‌های شخصیتی استاد را ارزیابی نماییم، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نظم و انضباط، ابتکار عملی و خلاقیت، ساده گرفتن کار، اعتقاد به کار، دقت در کار، صداقت و امانت در کار، توجه به نفس و محتوای کار و اجتناب از ظاهر، ضدیت با اسراف، پرهیز از غیبت و تحقیر دیگران، خضوع و افتادگی، سخاوت در تعلیم، رد روند آموزش متد اول معماری، پرهیز از هرگونه عمل لغو، شهامت و جسارت، انس با اشعار حافظ و مولوی، مهارت‌های معماری سنتی و پای‌بندی به اصول و

مبانی شرعی. اینک سعی می‌شود هرکدام از این ویژگی‌های استاد به اختصار توضیح داده شود. یقین دارم که خود استاد بسیاری از این صفات را قبول ندارند که این نشانه سلامت نفس ایشان است. مثلاً می‌گویند «من هیچوقت معمار نبوده‌ام»، بلکه یک بنا ساده هستم.

نظم و انضباط: استاد حاجی علی اکبر در مجموع فردی منظم و دارای برنامه هستند و روی حساب و کتاب کار می‌کنند. اینک هم که به کارگاه‌های تعمیراتی سرکشی می‌کنند، گرچه با توجه به کبرسن، این نظارت‌ها از نظر زمانی محدود شده است، اما حضورشان منظم است. این ویژگی در خوراک ایشان نیز تفسیری می‌یابد. در هنگام مأموریت‌های اداری خارج از شهر، هیچگاه ندیدم بدون برنامه و خارج از موعد مقرر، غذا ولو میوه صرف کنند. تعارفات متداول، تأثیری در تصمیم ایشان ندارد. به آنچه باید عمل کنند، عمل می‌کنند و تحت هیچ شرایطی تغییر رویه نمی‌دهند.

ابتکار عمل:

از ویژگی‌های استاد، ابتکار عمل و خلاقیت است. از آموخته‌های خود آن طوره کرده است، به صورت منجمد و تکراری استفاده نمی‌کند، بلکه متناسب با شرایط خاص زمانی - مکانی، چاره‌ای مناسب و نو می‌آفریند. مثلاً هنگامی که از کار ساخت و ساز مدرسه ایرانشهر سخن می‌گویند، یادآور می‌شوند که به خاطر بلندی طاق تالار اجتماعات مدرسه، اقتضا می‌کرد تا سه نردبان به هم بسته و استفاده شود. ایشان با صرفه‌جویی در وقت، از طناب با گره‌های مکرر به جای نردبان استفاده می‌کنند.

ساده گرفتن کار: برای استاد هیچ کاری مشکل نیست. مشکل‌ترین کارهایی که پیش می‌آمد، در دستشان چون موم نرم می‌شود. برخلاف برخی‌ها که کارها را مشکل و پیچیده می‌کنند، ایشان کارها را ساده (۱) و شدنی جلوه می‌دهند. به اعتقاد بنده، ساده

کردن مسایل پیچیده و طرح آنها به زبانی ساده، کار افرادی است که از نبوغ و توانمندی خاصی برخوردارند.

اعتقاد به کار: استاد حاجی علی اکبر فردی اهل کار و «معتقد به کار» به عنوان بستره‌ای برای تکامل شخصیت انسان هستند. در محیط کار، از افرادی که تن به کار نمی‌دهند و اهل کار نیستند، بدشان می‌آید. اصولاً افرادی را که اهل کارکردن نیستند، و بالجامعه می‌داند. خود ایشان با وجود این که قادر به رفتن روی داربست نیستند، از هر کار مختصر، حتی دسته‌بندی پاره‌های آجر، تراشیدن ملات‌های اضافی و ... دریغ نمی‌ورزند. اساساً، کار ایشان را ارضاء می‌کند.

دقت در کار: استاد اهل دقت و ظرافت هستند. اصولاً آثار منظمی همچون سقف هشتی باغ دولت آباد نمی‌تواند کار فردی غیر منظم و غیر دقیق باشد. هیچگاه دیده نشده است که استاد کارها را سرهم بندی کنند. اگر کاری روی اصول و اساس انجام نشود، راضی نخواهند شد، اعم از این که کار دولتی و یا خصوصی باشد. بهر صورت دقت لازم می‌بایست در کار مصروف گردد. تمام آثاری که از ایشان به یادگار مانده، از دقت کافی برخوردار است. آخرین موردی که از فکر استاد استفاده شده، مقبره حضرت آیت‌الله خاتمی در اردکان است.

صداقت و امانت در کار: زمانی که قصد داشتیم خانه لاری‌ها، محل فعلی میراث فرهنگی استان یزد را برای سازمان خریداری کنیم، نظر ایشان را در مورد قیمت خانه (۲) سؤال کردم. زیرا شخصاً نظر کارشناس رسمی را قبول نداشتیم و می‌خواستیم وجداناً مطمئن شوم که قیمت‌گذاری درست صورت گرفته باشد. ایشان طفره می‌رفتند و از اعلام نظر خودداری می‌کردند. دلیل را از ایشان سؤال کردم، گفتند، اولاً کسی که می‌خواهد چیزی را قیمت‌گذاری کند، می‌بایست خودش قادر به تولید آن باشد. مثلاً کسی می‌تواند خانه لاری‌ها را قیمت‌گذاری کند که بتواند

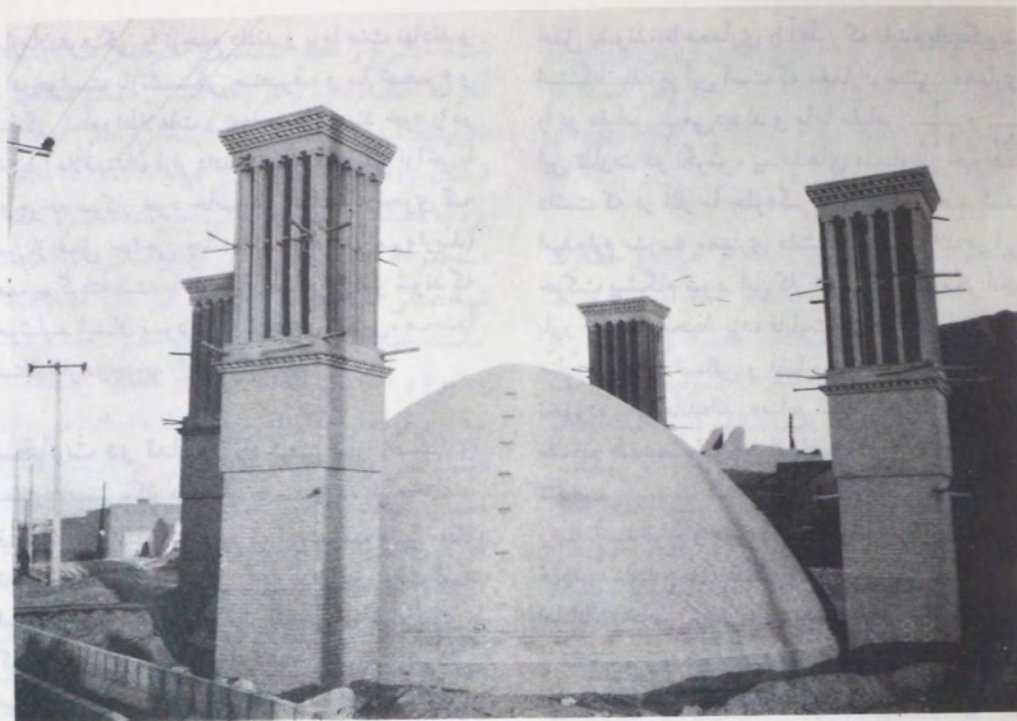
طاق تالار و بادگیر و ... آن را بسازد. اگر نتواند، صلاحیت اظهار نظر ندارد. ثانیاً اگر بنده بخواهم قیمت کنم، ناچارم قسمت‌های مختلف خانه را نمونه

برداری و آزمایش کنم تا از نحوه و کم و کیف تولید خشت، گل، گاه و دیگر مصالح و مهارت‌های مصرفی در امر ساخت خانه مطلع شوم. ما، در قدیم حجمی از گاه گل را از دیوار می‌کندیم، در آب می‌ریختیم تا گاه آن جدا شود. گاه را خشک و وزن می‌کردیم تا مقدار مصرفی گاه در متر مکعب گاه گل معلوم شود. آن هم گاه جو با گندم تفاوت می‌کند، چون هرکدام نرخی دارد. گل نیز فرق می‌کند، گل سرزمین باشد یا گل کموا (۳). چون خشت تولید شده از گل سرزمین، با گل کموا از نظر مقاومت متفاوت است و از نظر قیمت هم با یکدیگر تفاوت فاحش دارد. شماها (مدیریت اداری حاکم بر امور) حال و حوصله این کارها را ندارید ... من هم نمی‌خواهم مشغول دمه صاحب خانه یا دولت شوم. دست از سرمن بردارید ... این خونه را نمی‌شود قیمت کرد. بروید با هم توافق کنید و حرومکاری نکنید! ما تازه یاد گرفتیم که اظهار نظر کردن چه قدر مشکل است و آدمی که کارشناس (در تقابل با کارشناس) باشد تا چه حد ساده و راحت اظهار نظر می‌کند. چه راحت می‌شود جهنم را برای خود خرید و وقتی ترس از جهنم در کار نباشد چه اتفاقاتی خواهد افتاد. صداقت و امانت داری این معمار عزیز برای همه کسانی که با او کار کرده‌اند، امری روشن و مبرهن است. زمان، مواد و مصالح ساختمانی و امکاناتی که در کارگاه‌ها در اختیار ایشان قرار می‌گرفت به شایسته‌ترین نحو استفاده می‌شد. موردی را سراغ ندارم که در آن تخلف صورت گرفته باشد. در مجموع استاد حاجی از وجدان کاری بسیار بالایی برخوردارند.

توجه به نفس و محتوای کار و اجتناب از تظاهر: برای استاد همیشه نفس کاری که صورت می‌گرفته مهم بوده است. اگر آب انباری می‌سازد، عمل خیر رسانیدن آب به مردم مطرح است. به نام هر که می‌خواهد تمام شود، بانی آن زردتشی و در محله زردتشی‌ها باشد هیچ مانعی ندارد. آنچه مهم است

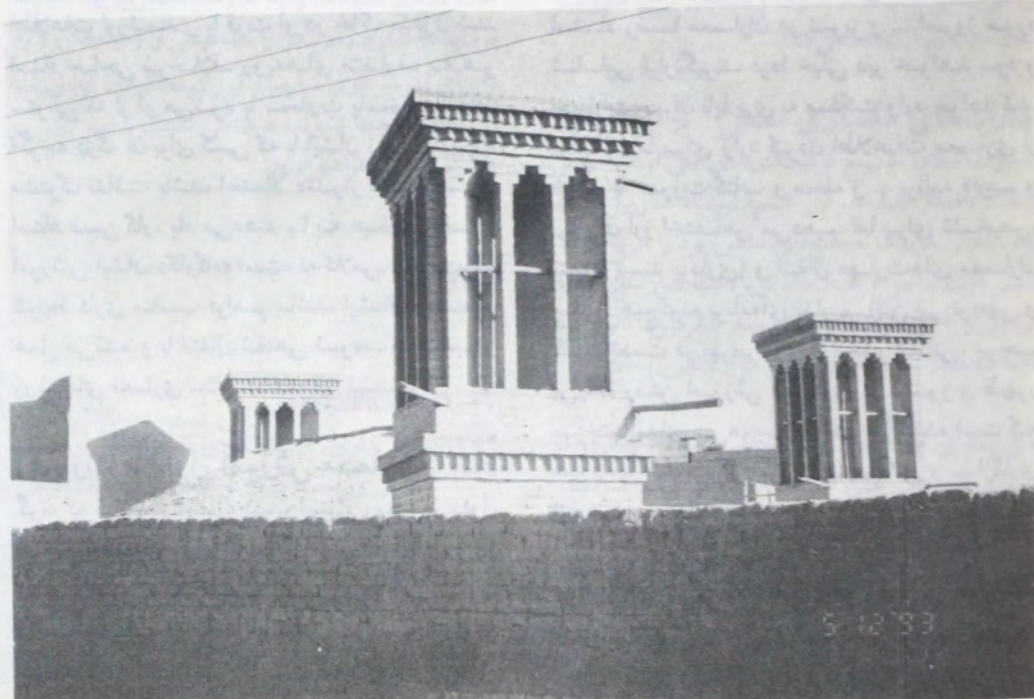
نفس عمل خیر است که می‌بایست تحقق پذیرد. آب انبار رستم گیو شاهی بر این مدعاست. در مجموعه امام زاده عبدالله بافق کار نفیس کاربرندی آجری کریاس ورودی سردر اصلی توسط ایشان حدود بیست و دو سال پیش انجام شد. زحمت کار را ایشان کشیدند، اما دیگری نام خود را بر دیوار زد! استاد حاجی هیچ وقت از این حرکت ناپسند شکایت و حتی گلایه نکردند. چندبار تصمیم داشتیم این کتیبه را تصحیح کنیم که حقی از ایشان ضایع نشود، استاد ما را منع کردند. با این اعتقاد که کار می‌بایست در ورای این «عالم مادی» ارزشیابی و ارزش‌گذاری شود. اگر کار، کاری مطلوب است و براساس نیت صحیح صورت گرفته، می‌بایست مورد قبول حضرت (او) باشد. اگر شد، کافی است، تابلو و کتیبه بنا به نام هر که باشد، تفاوت نمی‌کند. آن کسی که شاهد اصلی کار بوده است می‌داند و می‌تواند مزد آن را بدهد. برخلاف میل و اعتقاد ایشان نام استاد را بر کار کاربرندی ورودی مدرسه شمسیه بقعه سید شمس‌الدین که کاری جدید از ایشان است نوشتیم.

ضدیت با اسراف: از ویژگی‌های بارز استاد، ضدیت با اسراف است که گویا جزئی از سرشت ایشان به شمار می‌رود. اگر مشتی گچ در قواره زیاد می‌آمد و ضایع می‌شد به شدت ناراحت می‌شدند و با تغییر به کارگری که در ساخت آن دقت نکرده بود، برخورد می‌کردند. در نگاه ایشان، هرچیز می‌بایست به اندازه و قدر خودش و در جایگاه خویش مصرف شود. هیچ خستی و آجری نباید نیمه شود، در حالی که در کنار دست استاد نیمه‌ای افتاده باشد. شخصیت استاد به گونه‌ای است که اشیاء و پدیده‌های به ظاهر منفی، با زمینه تربیتی ایشان، مثبت می‌شوند. یک بار به اتفاق ایشان از مسجد محله سر جمع که توسط ایشان ساخته شده است، بازدید داشتیم. علت انتخاب نقش زیر گنبد را از استاد سؤال کردم، گفتند توسط بانی مسجد به کوره پز سفارش آجر داده شده بود. بخشی از آجرهایی که پای کار ریخته شد قرمز و مطابق میل صاحب کار نبود. بین کارفرما و کوره‌پز



آب انبار چهار بادگیره

آب انبار مسعودی



اختلاف افتاد. با توجه به مشکلاتی که در گذشته از نظر جابه‌جایی مصالح وجود داشت، می‌رفت تا کار ساختمان مسجد را مختل نماید. از بنای مسجد فرصت خواستم تا مسأله را در صورت مجال خاتمه دهم. آجرهایی که موجب دعوا و اختلاف شده بودند، وسیله‌ای برای تحقق نقش در زیر گنبد گردیدند و مسأله فیصله یافت. به عبارتی، پدیده‌ای به ظاهر منفی، در دست استاد با نگرشی مثبت، به پدیده‌ای سازنده مبدل گشت. به نحوی که ناظر متعارف تصور می‌نماید که انکار برای ایجاد نقوش زیر گنبد، اساساً آجرهای یاد شده سفارش داده شده‌اند.

پرهیز از غیبت و تحقیر دیگران: نزد بعضی از معماران سستی یزد، تحقیر و اشکال تراشی از کارهای دیگران، امر رایجی است که تقریباً به صورت خصیصه اخلاقی حرفه‌ای در آمده است. دلیل روانشناختی و جامعه‌شناختی این پدیده، به صورت جداگانه نیاز به پژوهش دارد. احتمالاً کمبود کار و رقابت شدید بین صنف «گل‌کار» (۴) در نسل گذشته، زمینه‌ای اقتصادی برای ورود به این قلمرو منفی را فراهم می‌آورده است. یکی از بنایان سستی می‌گفت، بعضی از رقبا به هنگام تعطیلی کارگاه و یا شب هنگام مبادرت به تخریب طاق پوشید شده در روز می‌کردند تا رقیب را از میدان بدر کنند. استاد حاجی از این صفت ناپسند مبراست. آن قدر توانمند است که نیازی برای تحقیر کارهای دیگران ندارد تا با کوچک کردن آنها بزرگ شود.

خضوع و افتادگی: به اعتقاد بنده، استاد حاجی در زمره دو یا سه استاد کار معمار سستی برجسته و اصیل یردی به شمار می‌روند که مهارت‌های معماری سستی یزد، از قبیل پوشش انواع طاق‌ها، تویزه‌ها، گنبدها، کاربندی‌ها و ... را به خوبی می‌دانند. سال‌ها استاد کار ارشد میراث فرهنگی استان یزد بوده‌اند، درحالی که قادر بودند اقل‌ده برابر حقوق و مواجب دولتی، در کار آزاد درآمد داشته باشند. کار در یک

سازمان فرهنگی را ترجیح دادند و بر ما منت نهادند و از درخواست بازنشستگی منصرف و با خضوع و افتادگی تمام، اطلاعات و تجارب ارزشمند خود را در اختیار علاقمندان قرار دادند. استاد تا همین اواخر با دو چرخه سرکار خود حاضر می‌شدند. به نحوی که پس از عمل جراحی چشم (به خاطر آب مروارید) تصمیم گرفته شد، با اتومبیل سرکار حاضر شوند که خوشایند ایشان نبود و با بهبودی نسبی، مجدداً استفاده از دو چرخه را از سر گرفتند.

سخاوت در تعلیم: یاد گرفتن کار از بسیاری معماران سستی، کار دشواری است. به دلایل مختلف، فنون کار یاد داده نمی‌شود که این موضوع نیز جای تحقیق و بررسی مستقلی را دارد. در باغ دولت آباد، استادکاری را داشتیم که زمانی که می‌خواست کاری را که جنبه هنری داشت انجام دهد، وقتی به او سرکشی می‌کردیم دست از کار می‌کشید تا از روش کار او کسی سر در نیاورد! به عبارتی در تعلیم بیخیل بود. یکی از داروسازان سستی یزد را می‌شناختم که او نیز از تعلیم و انتقال تجارب خود کوتاهی کرد و اطلاعات ارزشمندی با فوت او در خاک مدفون شد. استاد حاجی برخلاف رویه‌های متعارف به هر سوالی که از او می‌شود با سخاوت پاسخ می‌گویند. اگرچه درک آن برای کسی که با ایشان زبان و ادبیات مشترک نداشته باشد، احتمالاً دشوار است. اصولاً استاد ضمن کار، یاد می‌دهند یا به عبارتی فضای آموزشی ایشان «کارگاه» است، نه کلاس. بنابراین اگر شرایط کاری مناسب فراهم باشد، ایشان راحت‌تر عمل می‌کنند و با انتقال شفاهی شیوه‌ها، مفاهیم و روش‌های معماری سستی (۵) موافق نیستند.

رَد روند متداول آموزش معماری: همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد، استاد روش متداول آموزش معماری را که عمدتاً بر مباحث تئوری و در فضایی خارج از کارگاه صورت می‌گیرد، قبول ندارند و معتقد هستند که نظام آموزش، باید به گونه‌ای متحول شود تا دانشجویان در کارگاه وارد کار و حوزه

عمل بشوند، تا معماری را آنطور که باید، یاد بگیرند. استنباط بنده بر این است که معماران سستی، معماری را در مقیاس ۱ می‌دیدند و ما با مقیاس ۱/۵ و ۱/۵ این تفاوت در نگرش، پیامدهای متفاوتی خواهد داشت که در آثار ما جلوه‌گر شده و خواهد شد. امیدوارم مدرسه معماری دانشگاه یزد، بتواند در این حرکت پیشگام شود. این کار شدنی نیست مگر آنکه باور کنیم در محیط یزد، قابلیت‌های فراوانی از نظر منابع و ذخایر انسانی و فضا وجود دارند که دست نخورده باقی مانده‌اند. «منابع انسانی» همانند دیگر منابع طبیعی توسط افراد عادی و عامی قابل تشخیص نیستند. شناخت آنها خبرگی می‌خواهد و زمینه استخراج و بهره‌وری از ارزش‌های نهفته در آنها، همانند معدن سنگ و سرب و آهن شرایط و امکانات خاصی را می‌طلبد. اگر معدن سنگ مرمری را شناسیم و یا دیرتر استخراج کنیم، بهتر است. چون با استفاده از امکانات تکنولوژی پیشرفته، ضایعات بر منابع ملی کمتر خواهد بود. اما در خصوص منابع و ذخایر انسانی چنین نیست، بلکه عکس آن است. اگر استاد حاجی در یزد، استاد اسمعیل زهره در اصفهان، استاد رضا معماران در تبریز و ... امروز مورد شناسایی قرار نگیرند، فردا خیلی دیر خواهد بود و خسارات جبران ناپذیری به مملکت وارد خواهد شد. متأسفانه ما برای وارد کردن اطلاعات معماری از خارج به صورت کتاب و مجله و ... برنامه داریم و برای آن ارز اختصاص می‌دهیم. اما برای تشخیص، تثبیت (سند برداری) و انتقال مهارت‌های معماران سستی، هیچ‌گونه برنامه‌ای نداریم. این بی‌توجهی و کفران نعمت در بهره‌برداری از ذخایر انسانی، موجب بی‌راهه رفتن آموزش معماری در کشور و ظهور ساختمان‌های بی‌هویت در شهرها شده است که هیچ‌گاه با فرهنگ این مردم (۶) همگنی و سازگاری ندارد.

پرهیز از هرگونه عمل لغو: قبلاً نیز اشاره شد استاد از عمل لغو به دور است. هیچ‌کاری را بهبوده انجام نمی‌دهند. هرکاری، هر حرفی، هر رفتاری

حساب و کتاب و اندازه دارد. همین ویژگی تربیتی در آفرینش اثر معماری استاد نیز جلوه گر است. در مجموع کارهای استاد هیچگونه کار بیهوده‌ای نمی‌توان دید.

شهامت و جسارت: استاد از جرأت و جسارت خاصی در کار برخوردار است و از کار نمی‌هراسد. سفت کاری مناره‌های مسجد حظیره را در کمتر از بیست روز انجام داده‌اند! کار در شرایطی صورت گرفته که دفتر مهندسی فرمانداری کل وقت که در جوار مسجد مستقر بوده، ظاهراً به دلیل غیر مهندسی بودن کار! قصد توقف آن را داشته است! اجرای طاق و تویزه‌های مدرسه ایرانشهر و مسجد برخوردار، بدون شهامت میسر نیست. شاید دلیل آن وراثت، تربیت و آشنایی استاد به فن شکار است.

انس با اشعار حافظ و مولوی: استاد فاقد مهارت خواندن و نوشتن هستند. اما اشعاری از حافظ و مولوی را از بردارند که به تناسب در محیط کار می‌خوانند و از آن‌ها به عنوان وسیله‌ای برای سهولت انتقال مفاهیم استفاده می‌کنند.

مهارت‌های معماری سنتی: در این فرصت محدود، امکان تشریح توانمندی‌های فنی استاد میسر نیست. اجمالاً باید عرض کنم، استاد تقریباً همه مهارت‌های مربوط به معماری سنتی یزد را می‌شناسد و می‌داند. انواع طاق‌ها، تویزه‌ها، کاربرندی‌ها را طراحی و اجرا می‌کنند. در زمینه مقرنس، اعتراف دارند که مهارتشان به پای سایر موارد نمی‌رسد.

پای‌بندی به اصول و مبانی شرع: شاید بسیاری از ویژگی‌های استاد که در بالا ذکر گردید، تحت همین عنوان قابل تعریف و توضیح باشد. ذکر آنها به تفکیک صرفاً برای تشخیص بهتر آنها بود. زیرا کسی که مسلمان است نمی‌تواند اهل صداقت، امانت، سخاوت و ... نباشد. این از صفات مومن است که از عمل لغو به دور است. استاد حاجی فردی

است متشروع و اهل تشخیص حرام از حلال. به آخرت اعتقاد دارد و در یک فضای سالم مذهبی «تربیت» شده است. پدر بزرگ ایشان روحانی و اهل اردکان بوده‌اند و به همین دلیل در میان معماران سنتی یزد به «استاد حاجی علی اکبر آخوند» معروف‌اند. مجموعه تعلیمات دینی و فرهنگی، از استاد شخصیتی ساخته است که در آن نظم، صداقت، امانت، خلاقیت، دقت، سلامت نفس، جسارت، خضوع و افتادگی، قناعت و دیگر خصایل پسندیده که از دید ناقص نگارنده مخفی مانده است، می‌توان دید. این ویژگی‌های شخصیتی در آفرینش‌های معماری معمار، به طور طبیعی و روشن متبلور است. این کوچکترین شاگرد استاد، وقتی به شخصیت حرفه‌ای ایشان می‌اندیشد، می‌پندارد که در گذشته این سرزمین، معماری نوعی «تربیت» بوده است و امروز با وارد کردن روش‌ها و نگرش‌های آموزشی و پژوهشی از خارج، به «آموزش معماری» مبدل شده است و بین «تربیت معمار» و «آموزش معماران» (۷) از زمین تا آسمان تفاوت وجود دارد. امیدوارم خداوند این سعادت را به مدرسه معماری یزد عنایت فرماید تا تفاوت این دو را تشخیص و زمینه‌های لازم را برای بهره‌برداری شایسته این گونه اساتید که مسلماً از ذخایر تجدید نشونده فرهنگی استان یا بهتر بگوییم کشور هستند فراهم آورد.

حاشیه:

۱ - Simplification

۲- از نظر اداری، ملاک رأی کارشناس رسمی دادگستری است که نوعاً قادر به تشخیص ارزش‌های فرهنگی و تاریخی در بنا نیستند. برای اکثر آنها، ساختمان‌های خشت و گلی، به لحاظ خشتی و گلی بودن (!) فاقد ارزش و در بسیاری از موارد ضد ارزش است، چون هزینه تخریب دارد!

۳- در اصطلاح معماری سنتی یزد به گل دست دوم ساختمان‌های خشت و گلی گفته می‌شود. نخاله باقی مانده از تخریب ابنیه خشتی برای کشاورزی بسیار مناسب است. «کمو»ی دود خورده مطبخ‌های قدیمی، بهترین خاک زراعتی است.

۴- تا قبل از دوره معاصر و ظهور آهن و بتن در ساختمان، در یزد به حرفه بنایی «گل کاری» و به بنا «گل کار» گفته می‌شد. چون عمده کار بنا و معمار، کار با گل بود، یعنی سازندگی و ساختن با گل و خاک.

۵- اگر بتوانیم، این از وظایف ماست که حتی الامکان به صورت مبدل عمل کرده، پاره‌ای از آموخته‌های خود را از استاد برای انتقال به نسل جوان قابل ارایه در سر کلاس بسازیم. زیرا در شرایط فعلی، دانشجوی معماری، آماده برای رفتن روی چوب بست نیست!

۶- با کاربرد لفظ «نیروی انسانی» مخالفم، چون مفهومی است فیزیکی و بسیاری از قابلیت‌های انسانی را محدود می‌سازد. استاد حاجی، دیگر نیروی انسانی نیست چرا که در حین صدسالگی «توان» کار کردن را ندارد. اما «ذخیره انسانی» فوق العاده با ارزشی است که اگر توان تشخیص آن باشد، می‌تواند به عنوان یکی از مدل‌های توسعه مورد عنایت برنامه ریزان قرارگیرد. به عبارتی به خاطر عدم شناخت این گونه ذخایر فرهنگی بوده است که محتاج به وارد کردن مدل‌های توسعه شده‌ایم! وقتی از لزوم حفاظت از منابع طبیعی صحبت می‌شود، جنگل‌ها، مراتع، معادن و ... در ذهن ما نقش می‌بندد. حال آن که ذخایر و منابع انسانی را لااقل به عنوان بخشی از منابع طبیعی نپذیرفته‌ایم. به همین دلیل و با کمال تأسف هیچگونه «برنامه‌ای برای شناسایی و حفاظت از ذخایر انسانی در کشور وجود ندارد.

۷- تولید انبوه معمار (بسیاز بفروش) در مدارس معماری.

مقاله یادگاری از گذشته در هر شماره یک بنای تاریخی را معرفی می‌کند. مدارک و تصاویری که در این مقاله از ابنیه مختلف ارایه می‌شود حاصل زحمات چندین ساله دانشجویان دانشکده معماری و شهرسازی است.

مسجد جامع قم بنایی است که برای معرفی در این شماره انتخاب شده است. مساجد جامع شهرهای قدیمی ما، به واقع قلب و مرکز شهر محسوب می‌شوند مکانی که هم جایگاه عبادات مردم بوده است و هم محل اجتماع، تبادل افکار و درس و بحث و هم جای قضاوت و حل و فصل معضلات و هم منزلگاه غریبان و مسافران و نیز محل هنر آفرینی هنرمندان و معماران. مساجد جامع، به دلیل همین اهمیت، معمولاً عمری طولانی پیدا می‌کنند و تغییر و تحولات فراوانی می‌یابند. از همین رو جایگاهی برای عرضه هنر هنرمندان اعصار مختلف پدید می‌آورند، هنرمندانی که تمامی هنر خود را با اخلاص تمام وقف این مساجد می‌کنند.

در تاریخ بنیاد مسجد جامع قم، به جهت همین تغییر و تبدیل‌های دوره‌های مختلف، اختلاف نظر وجود دارد. برخی اصل بنا را متعلق به قرن سوم دانسته و گروهی دیگر آنرا از بناهای قرن ششم و دوره سلجوقی می‌دانند و بعضی معتقدند که بنیاد بنای آن در قرن هشتم افکنده شده است. چهره فعلی مسجد بیشتر یادآور معماری دوره قاجار است و کتیبه‌های موجود نیز از تغییر و تحولات مسجد در دوران قاجار حکایت دارند.

برداشت این اثر در سال ۱۳۶۵ توسط دانشجویان دانشکده آقایان فرامرز خالوزاده و سیدعلی میرمحمدی انجام گرفته است.

